

بررسی میزان احساس تبعیض مذهبی در میان دانشجویان شیعه افغانستان (مطالعه موردی دانشگاه کابل)

ضیاحسین یوسفی / دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد / ziahussain510@gmail.com
سیدمهدی سیدزاده ثانی / استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد / seyyedzadeh@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

چکیده

از دو دهه اخیر و پس از تصویب قانون اساسی افغانستان در سال ۱۳۸۲ و پذیرش آزادی اقلیت‌های مذهبی و قومی، موضوع هویت مذهبی به یکی از مسائل مورد توجه مبدل گشت. این پژوهش، با هدف بررسی رابطه میان میزان احساس تبعیض مذهبی دانشجویان شیعه از خدمات رفاهی، دانشجویان اهل سنت، محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان دانشگاه دولتی کابل نگاشته شده است. روش تحقیق به صورت پیمایشی بوده و برای تحلیل و توصیف داده‌های آماری از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است. جامعه آماری آن تمام دانشجویان شیعه دانشگاه کابل از سال ۱۳۹۵-۱۳۹۷ است که از میان آن‌ها، ۲۶۲ نفر از طریق فرمول کوکران انتخاب شده و روش نمونه‌گیری آن از نوع چند مرحله است که ترکیبی از روش تصادفی خوشه‌ای است. نتایج نشانگر آن هستند که بیش از ۸۰ درصد دانشجویان شیعه، نسبت به اساتید، محیط دانشگاه و کارمندان دانشگاه احساس تبعیض مذهبی می‌کنند. ولی این احساس تبعیض نسبت به خدمات رفاهی و نیز دانشجویان اهل سنت با درصدی کم‌تر (۳۰ درصد) است. عواملی مانند جنسیت، سن، رشته تحصیلی و قومیت، تأثیر چندانی در میزان تبعیض ندارد و در نتیجه میان این عوامل و تبعیض، رابطه معنادار موجود نیست، بلکه یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رابطه معناداری میان مذهب و تبعیض وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تبعیض مذهبی، دانشگاه کابل، دانشجویان شیعه، اساتید دانشگاه، دانشجویان اهل سنت.

مقدمه

مطالعه تاریخچه اقلیت‌های مذهبی افغانستان، حاکی از آن است که آن‌ها مانند اکثریت، از حقوق اولیه مانند حق تحصیل، حق مسکن، حق بهداشت و نیز سایر حقوقی که کنوانسیون‌های بین‌المللی و قانون اساسی به آن اشاره کرده‌اند، برخوردار هستند. امروزه بیشتر کشورهای جایگاه ویژه‌ای برای اقلیت‌های مذهبی تعریف کرده و هیچ‌گونه تبعیض را در برابر اقلیت‌ها نپذیرفته‌اند. (لسانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳) ماده ۲۶ کنوانسیون میثاق حقوق مدنی و سیاسی،^۱ مقدمه و مواد قانون اساسی افغانستان،^۲ منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی را برای دولت‌های عضو الزامی دانسته است، از آنجایی که دولت اسلامی افغانستان به اسناد بین‌المللی مذکور پیوسته، بر اساس آن، به رعایت حقوق اقلیت‌ها و جلوگیری از وقوع هرگونه تبعیض مذهبی و قومی علیه این‌ها ملزم شده است.

به قول کارل ریموند پوپر،^۳ مسأله هنگامی پدید می‌آید که درمی‌یابیم میان معرفت ما و واقعیت، تناقض وجود دارد. در واقع مسأله زمانی به وجود می‌آید که در وضع موجود بحران، تغییر، تناقض، ناسازگاری (ساعی، ۱۳۸۶، ص ۳۵) و عدم تعادل مشاهده شود، این تناقض و ناسازگاری در افغانستان و موضوع مورد بحث کاملاً مشهود و آثار آن کاملاً ملموس است. (احمدی، مصطفی، ۱۳۹۴، ص ۷) افغانستان سرزمینی است که از یک سو، تجربه سه دهه جنگ را پشت سر گذاشته و تمام شیرازه و بنیادهای اصلی آن نابود شده

۱. ماده ۲۶: «کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین کند».

۲. ماده ۲۲: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند».

3. Karl Raimund Popper.

است و از سوی دیگر، تمام مسائل بر اساس سمت، قوم و مذهب تبیین و تفسیر می‌شود. افغانستان کشوری آسیایی است که کثرت قومی - مذهبی، در بافت اجتماعی این سرزمین به هم گره خورده و تمام شهروندان فارغ از رنگ، مذهب و قوم، در فضایی کاملاً صمیمی زندگی می‌کنند.^۱

اما موضوع مورد توجه، آن جایی است که برخی مسأله هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب افغان‌ها را در کشور نخواستند و از طریق گوناگون، مسأله تبعیض مذهبی را در میان اقوام دامن زدند، تبعیض مذهبی یکی از این گونه تفرقه‌افکنی‌ها در میان شهروندان افغانستان است. به نظر می‌رسد این تبعیض، به مراکز آموزش عالی افغانستان مثل دانشگاه کابل نیز سرایت کرده است. بدین صورت که گمان می‌رود، افرادی در دانشگاه کابل حضور دارند که میان دانشجویان بر اساس مذهب قائل به تفکیک هستند. حال پرسش این است که آیا واقعاً این مسأله نگران‌کننده در نهاد آموزشی و آکادمیک مشاهده گردیده و رفتارهای چندگانه و غیرمعمول و بر خلاف اصول قانون اساسی و حقوق بشری در قبال دانشجویان اقلیت‌های مذهبی (شیعیان) صورت می‌گیرد یا خیر. برای پاسخ به این پرسش، چنان که مشاهده می‌شود، کاری سخت و دشوار پیش‌رو است؛ ولی لازم است برای اثبات و نفی این مدعا، پژوهشی پیمایشی از طریق پرسش‌نامه میان دانشجویان شیعه که از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، سادات و سایر اقوام هستند، صورت بگیرد تا بتوان بر مبنای آن نگرش دانشجویان شیعه دانشگاه کابل را از خدمات رفاهی دانشگاه، محیط دانشگاه، رفتار و عملکرد دانشجویان اهل سنت، اساتید و کارمندان دانشگاه ارزیابی و تحلیل کرد و میزان

۱. در افغانستان اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، پشه‌ای، قزلباش، سادات، هندو و سیک زندگی می‌نمایند. اکثریت شهروندان افغانستان پیرو مذهب حنفی‌اند. هزاره، سادات بعضی از اقوام پشتون، تاجک و سایر اقوام، دارای مذهب شیعه دوازده‌امامی و اسماعیلیه هستند. شهروندان هندو و سیک افغانستان، در شعائر و مراسم دینی خود آزادند و قانون اساسی، مذهب آنان را به رسمیت شناخته است.

احساس تبعیض مذهبی علیه دانشجویان شیعی را دریافت و موارد تبعیض مذهبی نسبت به دانشجویان شیعه را تبیین کرد.

قلمرو این پژوهش دانشجویان شیعه دانشگاه کابل^۱ هستند مطالعات نشان می‌دهد که هنوز در این مورد هیچ تحقیق مدونی صورت نگرفته که جامعه آماری آن، دانشجویان مراکز آموزش عالی یا دانشجویان شیعی باشند، و این کار از این جهت، اولین اقدام در این زمینه است. از آنجایی که موضوع تحقیق، بررسی میزان احساس تبعیض مذهبی در مراکز دانشگاهی است و نیز جامعه آماری آن لزوماً افراد متعلق به دانشگاه هستند، لذا نظریه‌های بزه‌کاری در محیط آموزشگاه و برخی از دیدگاه‌های رایج درباره بزه‌کاری در این محیط‌ها شامل فرصت‌های افتراقی جرم‌شناسی آلبرت کوهن،^۲ ریچارد کلوارد،^۳ وابستگی‌های اجتماعی، برجسب‌زنی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵۴)، بزه‌دیدگی معلمان و کارکنان دانشگاه‌ها (همان، ص ۶۲۴)، جرایم دانشگاهی مانند خشونت در دانشگاه‌ها (همان، ص ۹۲)، وضع قانون‌های فدرال در محیط دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها (همان، ص ۱۷۵)، وضع قوانین ایالتی در محیط دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها (همان، ص ۱۷۰) از یک طرف، مناسب‌ترین گزاره‌ها و راه‌کارها برای حل این مشکل بوده و از سوی دیگر، مجموعه مباحث جرایم دانشگاهی است که در بعضی کشورها تا به حال مطرح، تحلیل و توصیف شده است.

در گذشته، قانون‌گذار و گروه‌های حامی بزه‌دیدگان، تلاش نموده‌اند تا بزه‌دیدگی ناشی از جرم برخاسته از نفرت به رسمیت شناخته شود. جرایم برخاسته از نفرت، به مجموعه‌ای از جرایم گفته می‌شود که به دلیل نفرت از گرایش جنسی، مذهبی، قومی و

۱. قابل ذکر این‌که شیعه افغانستان دارای دو فرقه مذهبی هستند. اکثریت هزاره‌ها و سایر اقوام ساکن در افغانستان شیعه دوازده‌امامی‌اند و برخی از هزاره‌ها و سایر اقوام دیگر از اسماعیلیان پیروی می‌نمایند. ولی در این پژوهش شیعیان دوازده‌امامی منظور است.

2. Albert Cohen.

3. Richard Cloward.

نژادی یک فرد به وقوع می‌پیوندد. این جرایم در میان انواع قانون‌گذاری‌های ایالتی و فدرال امریکا به چشم می‌خورند. هرچند چنین خشونت‌هایی درگذر تاریخ بارها تکرار شده، اما تنها در زمان معاصر بود که به همت گروه‌های حامی بزه‌دیدگان، مجموعه‌ای از این جرایم به عنوان جرم برخاسته از نفرت یا تبعیض در نظر گرفته شد و در سال ۱۹۸۰ میلادی به تصویب رسید. (همان، ص ۶۱۳) جرایم برخاسته از نفرت مذهبی، از یازدهم سپتامبر به بعد ۲۰۰۱ میلادی به دغدغه دائم ملت و کشورها تبدیل شده است. (همان، ص ۶۱۶)

در نهایت ضرورت و هدف این پژوهش هنگامی احساس شد که میزان احساس تبعیض مذهبی به عنوان جرم برخاسته از نفرت یا تبعیض مذهبی در نظر گرفته شده و دلواپسی اصلی دانشجویان را موجب شده و نابسامانی اجتماعی و تبعیض مذهبی زندگی روزمره آنان را زیر سیطره خود قرار داده است. موجودیت این مسأله به اندازه‌ای گسترش یافته که برخی از اقلیت‌های مذهبی افغانستان چشم‌انداز آینده خود را در حل آن می‌بینند.^۱ در حالی که نباید چنین عملکردی که برخلاف معیارهای انسانی است، علیه اقلیت مذهبی خاصی صورت گیرد؛ لذا براساس اصول پذیرفته و معیارهای قابل قبول قانون اساسی افغانستان و اسناد حقوق بشری، هرگونه تبعیضی مردود دانسته شده و قانون جزای افغانستان،^۲ اهانت به ادیان، اخلاص شعائر یا مراسم مذهبی و تجاوز به ادیان را جرم تلقی کرده است.

۱. از یک طرف سیستم لایحه جذب هیأت علمی در دانشگاه دولتی افغانستان به‌گونه‌ای است که دانشجویان باید در دوره تحصیل، تمام دروس را بدون مشروطیت و ناکامی بگذرانند؛ در غیر این صورت، اگر درسی را مشروط شوند، براساس لایحه جذب هیأت علمی، در دانشگاه دولتی نمی‌توانند به عنوان استاد جذب شوند. از سوی دیگر، بارها این قضیه مشاهده شده است که اساتید دانشگاه کابل به دلیل آن‌که در آینده از ورود اقوام و مذهب خاص جلوگیری نماید، با سوءنیت، دانشجویان را مشروط اعلام می‌کنند.

۲. ماده ۳۲۳، ۳۲۴ و ۳۲۵ کد جزا افغانستان.

پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات صورت‌گرفته، حاکی از آن است که پژوهش پیمایشی مدون و نظام‌مندی درباره تبعیض مذهبی علیه دانشجویان شیعه افغانستان انجام نشده است. ولی به شکل موردی، برخی از رسانه‌ها^۱ به این موضوع اشاره کرده‌اند. با این حال، نمی‌توان با پیش‌داوری مدعی چنین مسأله‌ای شد که به دانشجویان شیعه در تمام سطوح تبعیض می‌شود.

این مسأله مطرح نیست که تبعیض یا تبعیض مذهبی اصلاً دارای پیشینه نیست، بلکه در این اواخر، اسناد فراوان ملی و بین‌المللی در زمینه‌های تبعیض مذهبی و قومی، در مراکز علمی و تحقیقی، کنوانسیون میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قانون اساسی افغانستان تدوین گردیده که توجه اکثریت را به موضوع حاضر جلب نموده است. به کارهایی که در این زمینه صورت گرفته، اشاره می‌گردد.

مقاله‌ای درباره تبعیض در محیط درس، در سال ۱۳۶۵ در مجله بین‌المللی مدرسه اولیا منتشر شده است. این پژوهش بیان می‌دارد که ممکن است در خانواده و اجتماع معمولاً براساس معیارهای مورد قبول اجتماعی که دارند، فردی را بر دیگری برتری دهند. ولی در محیط مدرسه، اصل برابری حاکم است. دانش آموز باید بر اساس لیاقت و شرایط عینی با امکانات برابر به تحصیل بپردازند. ولی در اغلب مدارس، معلم به رفتار تبعیض‌گونه با دید نارضایتی و تردید می‌نگرند؛ زیرا خود را در معرض خطر می‌بینند. چنین وضعیتی در مهد کودک هم مشاهده می‌شود. در نهایت این مقاله بیان می‌دارد که معلم از هر طبقه‌ای از جامعه باشد، بیش‌ترین توجه آن به همان قشر جامعه است. مقاله مزبور از آن جهت که تبعیض در محیط درسی را تبیین می‌کند با پژوهش پیش رو اشتراک دارد و از جهت آن‌که به مسأله تبعیض مذهبی پرداخته، با آن افتراق دارد.

پروانه مهری (۱۳۹۴) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با موضوع بررسی شناسایی عوامل موثر اجتماعی، فرهنگی و آموزشی بر ایجاد تبعیض‌های جنسیتی از دانشجویان کارشناسی دختر دانشگاه کابل، در دانشگاه شهید بهشتی انجام داده است. روش این تحقیق پیمایشی، با آزمون تی‌تست تک نمونه و با هدف شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مؤثر بر شکل‌گیری تبعیض جنسیتی از نظر دانشجویان دختر کارشناسی دانشگاه کابل است. جامعه آماری آن، دانشجویان دختر در حدود ۴۸۵ نفر و نوع پرسش‌نامه را محقق ساخته است. موارد انجام‌یافته در پژوهش، از این جهت با موضوع مرتبط بوده که تبعیض در دانشگاه کابل را ارزیابی کرده است. نقاط افتراق آن با موضوع تحقیق حاضر این است که اولاً نگاهی روان‌شناختی به موضوع دارد و ثانیاً تبعیض جنسیتی است، در حالی که موضوع این پژوهش، تبعیض مذهبی علیه دانشجویان شیعه در دانشگاه کابل است.

میرزایی و عباس‌زاده (۱۳۹۲)، مقاله‌ای با هدف بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت قومی دانشجویان آذری، بلوچ و عرب دانشگاه‌های دولتی در سال ۱۳۸۷ و ارتباط احساس محرومیت نسبی، جامعه‌پذیری قومی و تسلط به زبان مادری با هویت‌های دوگانه ملی و قومی نگاشته‌اند. جامعه آماری آن، ۶۳۹ نفر بوده که نتایج، حاکی از آن است که میان دو متغیر هویت ملی و هویت قومی، رابطه مثبت و متوسط وجود دارد. هم‌چنین بین متغیر احساس محرومیت و هویت ملی رابطه منفی نسبتاً بالا و نیز با متغیر هویت قومی، رابطه مثبت و در حد ضعیفی وجود دارد. بین دو متغیر جامعه‌پذیری قومی و تسلط به زبان مادری نیز رابطه با هویت ملی معنادار نیست، اما با هویت قومی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. احساس محرومیت، مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار مستقیم و منفی بر هویت ملی است. متغیر جامعه‌پذیری قومی، تعیین‌کننده‌ترین عامل تأثیرگذار مستقیم و مثبت بر هویت قومی است.

پژوهش شفيعی‌نیا و احمدی (۱۳۹۷) نیز بر فرایند تبعیض سیاسی - اجتماعی و هویت‌خواهی قومی متمرکز است. این تحقیق در صدد بررسی وضعیت هویت‌خواهی قومی

میان جوانان شهرهای سنندج و قروه به عنوان دو الگو متفاوت در استان کردستان با پس‌زمینه‌های مذهبی و تأکید قومی متفاوت است. جامعه آماری، شامل جوانان دو شهر کردستان است. بر اساس روش برآورد نمونه کوکران با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۶۰ نفر انتخاب شده‌اند. نتایج تجزیه و تحلیل، حاکی از آن است که میان جوانان این دو شهر، در تمام ابعاد گرایش‌های قوم‌گرایانه و میزان قوم‌گرایی به طوری کلی، تفاوت معناداری وجود دارد. یکی از عوامل در این زمینه، متغیر مذهبی این دو شهر (قروه با اکثریت تشیع و سنندج با اکثریت اهل تسنن) است. میانگین گرایش‌های قوم‌گرایانه در نزد جوانان اهل سنندج، بیش‌تر از میانگین جوانان اهل قروه است. نتیجه تحلیل پژوهش، بیان‌گر رابطه مستقیم تبعیض سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی با گرایش‌های قوم‌گرایانه (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و میزان قوم‌گرایی) است.

موضوع گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۷)، بررسی تطبیق مفاد کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در افغانستان است. افغانستان سرزمینی متشکل از اقوام، مذاهب و زبان‌های گوناگون بوده که این مسأله، یکی از نگرانی‌های جدی در برابر ثبات و امنیت سراسری کشور تلقی شده است. همواره پرسش‌های متعددی در افکار عمومی نسبت به رویکردها و برنامه‌های دولت که موجب نقض حقوق و آزادی‌های اساسی برخی از شهروندان گردیده، مطرح شده است. کمیسیون حقوق بشر، مسئولیت نظارت بر وضعیت حقوق بشر در افغانستان را به عهده دارد و افغانستان در سال ۲۰۰۳ کنوانسیون اخیر را تصویب کرده و به آن ملحق شده است؛ با وجود این، از آن زمان تا به حال، گزارش، ارسال کرده که این وضعیت باعث نگرانی این نهاد از عملکرد حقوق بشر در افغانستان گردیده است. گزارش کمیسیون حقوق بشر بر اساس روش تحقیق تحلیلی - توصیفی انجام یافته و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه، بحث گروهی (جلسات فوکس‌گروپ)، مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. جامعه آماری این تحقیق ۳۴۹۸ نفر، متشکل از ۲۰۶۱ مرد و ۱۴۰۵ زن و نیز ۳۳۳ نفر شامل ۱۰۳ زن و ۲۳۰ مرد در بحث گروهی بوده

است. پرسش‌نامه در ۳۴ ولایت^۱ تکمیل شده و جلسات فوکس‌گروپ در چهارده ولایت با اشتراک مقامات دولتی و نهادهای حقوق بشر، رسانه، بزرگان محلی، قربانیان تبعیض، دانشجویان و دانش‌آموزان برگزار گردیده است. این پژوهش، موضوع تبعیض نژادی در افغانستان را بررسی نموده، ولی یک بخش آن، تبعیض مذهبی را در افغانستان تبیین کرده است. پژوهش مورد بحث، مدون‌ترین و معتبرترین پژوهش پیمایشی درباره تبعیض در افغانستان به شمار می‌آید.

فاطمه کاظمی (۱۳۹۳) در مقاله خود، به بررسی تبعیض نژادی از دیدگاه اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده است که آیات قرآن، مبنی طرد تبعیض نژادی هستند، هم‌چنان که اصول و قواعد بین‌المللی تبعیض نژادی را نفی می‌کنند.

علی اکبر گرجی اندریانی، حامد طبری و مریم میرمحمد صادقی (۱۳۹۰)، به این نتیجه رسیده‌اند که دولت برای از بین بردن تبعیض‌های رایج در جامعه، باید برخی تبعیض‌های مثبت را به طور موقت پیش‌بینی و آن‌ها را بنا نهاد تا توازن و تعادل اجتماعی برقرار شود.

فرضیه‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان احساس تبعیض مذهبی با مطالعه موردی دانشجویان شیعه دانشگاه دولتی کابل است و پرسش‌های ذیل را پی‌می‌گیرد:

۱. احساس تبعیض مذهبی در دانشجویان شیعه نسبت به خدمات رفاهی، دانشجویان اهل سنت، محیط دانشگاه، اساتید و رفتار کارمندان به چه میزان است؟
۲. آیا رابطه معناداری بین احساس تبعیض و متغیرهای جنسیت، قومیت، سن و رشته تحصیلی وجود دارد؟

برای پاسخ به پرسش‌ها، فرضیه‌های پژوهش چنین تدوین شد:

۱. دانشجویان شیعه نسبت به خدمات رفاهی و دانشجویان اهل سنت احساس تبعیض مذهبی کم‌تری دارند؛ در حالی که بیش‌ترین تبعیض را نسبت به محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان احساس می‌کنند.
۲. رابطه معناداری میان متغیر قوم و احساس تبعیض مذهبی وجود ندارد.
۳. میان متغیر جنسیت و تبعیض مذهبی از امکانات رفاهی و محیط دانشگاه، رابطه معنادار وجود دارد، ولی میان جنسیت و دانشجویان اهل سنت، اساتید و کارمندان دانشگاه کابل، رابطه منفی موجود است.
۴. میان متغیر سن و تبعیض مذهبی از امکانات رفاهی، محیط دانشگاه، دانشجویان اهل سنت، اساتید و کارمندان رابطه معنادار نیست.
۵. میان متغیر رشته تحصیلی و تبعیض مذهبی از کارمندان و ماموران دانشگاه رابطه معنادار وجود دارد، و میان خدمات رفاهی، دانشجویان اهل سنت، محیط دانشگاه و اساتید دانشگاه کابل وجود رابطه منفی است.

روش‌شناسی

بخش مقدماتی این پژوهش، از طریق روش کتابخانه‌ای یا اسناد^۱ نوشته شده است. پژوهشگر برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ساخته و با روش پیمایشی^۲ میان دانشجویان و خوابگاه دانشگاه کابل توزیع کرده و در نهایت، برای تحلیل اطلاعات بدست‌آمده، از برنامه spss و روش تبیینی - توصیفی استفاده کرده است.

1. Documentary Method.

2. Survey Method.

برای گزینش نمونه، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای^۱ بهره برده شده است. هیچ‌گونه آمار رسمی و غیررسمی دقیق در دست نیست که نشان‌دهنده تعداد دانشجویان شیعه در دانشگاه کابل باشد، ولی فقدان آمار دقیق، باعث انجام ندادن پژوهش نشده؛ لذا در خصوص انتخاب نمونه، از نمونه‌گیری احتمالی از نوع احتمالی طبقه‌ای و غیراحتمالی قضاوتی یا در دسترس استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان هزاره و سایر دانشجویان شیعه^۲ دانشگاه کابل از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۷ هستند. مجموعه آن ۲۶۲ نفر نمونه از طریق فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. در مرحله بعد، بر اساس درصد احتمالی هر گروه قومی در دانشگاه، از طریق فرمول کوکران برآورد شده که در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره ۱: نمونه گروه قومی دانشجویان

گروه قوم	تعداد نمونه	درصد
دانشجویان هزاره	۲۰۷	۷۹.۶
سایر دانشجویان	۵۳	۲۰.۴
کل	۲۶۰	٪۱۰۰

پرسش‌نامه پژوهش، بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده و پرسش‌نامه‌های آن از نوع سؤال پنج گزینه بسته می‌باشد. پرسش‌های پژوهش برای سنجش میزان احساس تبعیض مذهبی اساتید، محیط دانشگاه، کارمندان، خدمات رفاهی و دانشجویان اهل سنت علیه دانشجویان شیعه در دانشگاه کابل تنظیم شده است.

1. Multistage Sampling.

۲. هدف از سایر دانشجویان، اقوام پشتون، تاجک، قزلباش، بیات و سادات است که از مذهب شیعه دوزاده‌امامی پیروی می‌نمایند.

در مجموع ۳۸ گویه برای پرسشنامه طراحی شده که پس از تعیین شاخص‌های لازم اعتبار^۱ اندازه‌گیری این پرسشنامه از نوع صوری بوده و پایایی^۲ آن تأیید گردیده است. برای اطمینان و سنجش اعتبار تحقیق، از روش اعتبار صوری و محتوایی از نظر صاحب‌نظران و متخصصان استفاده شده و برای پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده که جدول شماره ۲ نتایج ضریب پایایی متغیر و شاخص‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: ضریب پایایی متغیر و شاخص‌های پژوهش

شماره	متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی	ضریب پایایی کلی
۱	امکانات رفاهی دانشگاه کابل	۸	.۲۱۹	.۵۸۵
۲	دانشجویان اهل سنت	۴	.۳۹۵	
۳	محیط دانشگاه	۲	.۳۱۱	
۴	اساتید دانشگاه	۱۲	.۷۶۶	
۵	کارمندان و مامورین دانشگاه	۶	.۲۷۳	

در این پژوهش، برای سنجش میزان احساس تبعیض از امکانات رفاهی و خدمات دانشگاه از هفت گویه استفاده گردیده مانند مسجد، وضوخانه، نحوه ارتباط با خدمات، فراهم نمودن امکانات در ایام عزاداری، امکانات خوابگاه، نظافت خوابگاه و فراهم نمودن خوابگاه. میزان ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۲۱۹. تعیین شده است. احساس تبعیض از سوی دانشجویان اهل سنت با چهار گویه مثل تمسخر کردن، داشتن مذهب اکثریت، ارتباط بهتر میان دانشجویان اهل سنت، و نوع پوشش لباس بوده که ضریب آلفایی کرونباخ آن ۰/۳۹۵. تعیین گردید. پرسش احساس تبعیض نسبت به محیط دانشگاه کابل با دو گویه سنجیده شدند که عبارت از سرکوب یا استعدادکشی و استقبال از پذیرش دانشجویان اهل سنت در دانشگاه بوده که ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها، ۰/۳۱۱. است. سؤال احساس تبعیض از اساتید دانشگاه با دوازده گویه شامل مواردی مانند عدم برقراری ارتباط با دانشجویان شیعه، توضیح دوباره

1. Validity.
2. Reliability.

درس در کلاس، احترام به دانشجویان اهل سنت، اختصاص وقت، سخت‌گیری در لحاظ نمودن نمره امتحان، دقت به پاسخ سؤالات، فارغ‌التحصیل شدن، حضور و غیاب در کلاس، نمره قبولی، رفتار نامناسب اساتید هنگامی که متوجه مذهب دانشجو می‌شوند. ضریب آلفای کربناخ، این موارد ۷۶۶/۰. مشخص شد. در نهایت احساس تبعیض کارمندان دانشگاه با شش گویه شامل نابرابری گفتاری، پاسخ دادن به مشکلات، احترام کارمندان به دانشجویان، مذهب دانشجو و کارمند و تفاوت قائل شدن کارمندان میان دانشجویان شیعه و اهل سنت طرح شده که با ضریب آلفای کربناخ ۲۷۳/۰. نشان داده شده است. پرسش‌نامه‌ها پس از انتخاب جامعه آماری پژوهش و جلب رضایت پاسخ‌دهندگان، بدون نوشتن اسم افراد، تکمیل و داده‌های جمع‌آوری شده توسط برنامه SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است.

معرفی مناطق مورد پژوهش

دانشگاه کابل بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین مرکز آموزش عالی افغانستان است. این دانشگاه از سال ۱۹۳۲ میلادی بدین سو، نه تنها زمینه آموزش عالی را برای تعداد زیادی از افغان‌ها مساعد نمود، بلکه توجه دانشجویان را از کشورهای دیگر به خود جلب کرده است. دانشگاه کابل از فرهنگ غنی، قدمت تاریخی و برتری‌های علمی برخوردار بود که در اثر چندین دهه جنگ و بی‌ثباتی‌های داخلی در افغانستان ویران گردید. این دانشگاه در حال حاضر با دو دانشکده علوم تجربی و اجتماعی^۱ فعالیت دارد و در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی برنامه کارشناسی ارشد شرعیات (الهیات) توسط وزیر تحصیلات عالی^۲ افتتاح شد و آغاز فعالیت نمود.

۱. در دوره کارشناسی علوم اجتماعی (زبان و ادبیات دری، علوم هنری، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصاد، الهیات، صدا و سیما، حقوق و اداره عامه) و در دوره کارشناسی علوم تجربی (کشاورزی، شیمی، بیولوژی، علوم کامپیوتر، مهندسی، زمین‌شناسی، فیزیک، داروسازی، علوم ریاضی ریاضیات، تکنولوژی معلوماتی و محیط‌زیست) برگزار می‌شود.

۲. برابر با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در نظام ایران.

برنامه کارشناسی ارشد علوم کامپیوتر در سال ۱۳۹۳ هجری شمسی به کمک دانشگاه تایلند کشور استونی آغاز شد. این برنامه براساس تفاهم‌نامه‌های رسمی میان دانشگاه کابل و دانشگاه تایلند به پیش برده می‌شود که تفاهم‌نامه اول در نوامبر سال ۲۰۱۳ میلادی و تفاهم‌نامه دوم در اکتبر ۲۰۱۶ میلادی به امضا رسیده است. این پژوهش تنها دانشجویان کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی و علوم تجربی را شامل می‌شود و دانشجویان کارشناسی ارشد مشمول این پژوهش نیستند. (<http://ku.edu.af/fa>).

جدول شماره ۳: موقعیت دانشگاه کابل



یافته‌های پژوهش

۱. داده‌های جمعیت‌شناختی

تمام جمعیت آماری پژوهش، دانشجویان دوره تحصیلی کارشناسی دانشگاه کابل هستند. در این میان ۵۰ درصد پسر و ۴۸/۹ درصد دختر بودند و ۱/۱ درصد نیز جنسیت خود را اعلام نکردند. به لحاظ رشته تحصیلی، پاسخ‌دهندگان از میان رشته‌های مختلف تحصیلی انتخاب شدند. درصد فراوانی هر یک از رشته‌های تحصیلی پاسخ‌دهندگان عبارت بود از: ۶/۵ حقوق، ۳/۱ زبان و ادبیات، ۳/۵ فیزیک و شیمی، ۹/۳ علوم ریاضی، ۱۶/۳ علوم اجتماعی، ۱۲/۵ علوم رایانه، ۱/۶ پزشکی، ۳/۹ اقتصاد، ۰/۸ علوم، ۰/۸ صدا و سیما، ۱۲/۱ کشاورزی، ۲/۳ علوم هنری، ۶/۹ مهندسی، ۱۴ اروان‌شناسی، ۲/۶ جغرافیا، ۴ / داروسازی، ۳/۱

بشرشناسی و باستان‌شناسی. ۱/۹ درصد نیز رشته تحصیلی خود را ذکر نکردند. از لحاظ متغیر سن، میانگین سنی پاسخ‌دهندگان ۲۱/۹۲، دامنه تغییرات حداقل هیجده سال و حداکثر ۳۲ سال است. در نهایت از تمام دانشجویان ۸۹/۳ درصد از قوم هزاره و ۹/۹ درصد سایر دانشجویان (شامل اقوام تاجک، سادات، پشتون، بیات) بودند.

۲. توصیف متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل پژوهش عبارتند از: احساس تبعیض مذهبی نسبت به امکانات رفاهی، احساس تبعیض نسبت به دانشجویان اهل سنت، احساس تبعیض نسبت به محیط دانشگاه، احساس تبعیض نسبت به اساتید دانشگاه و احساس تبعیض نسبت به کارمندان دانشگاه که در جدول شماره ۴ به آن اشاره شده است.

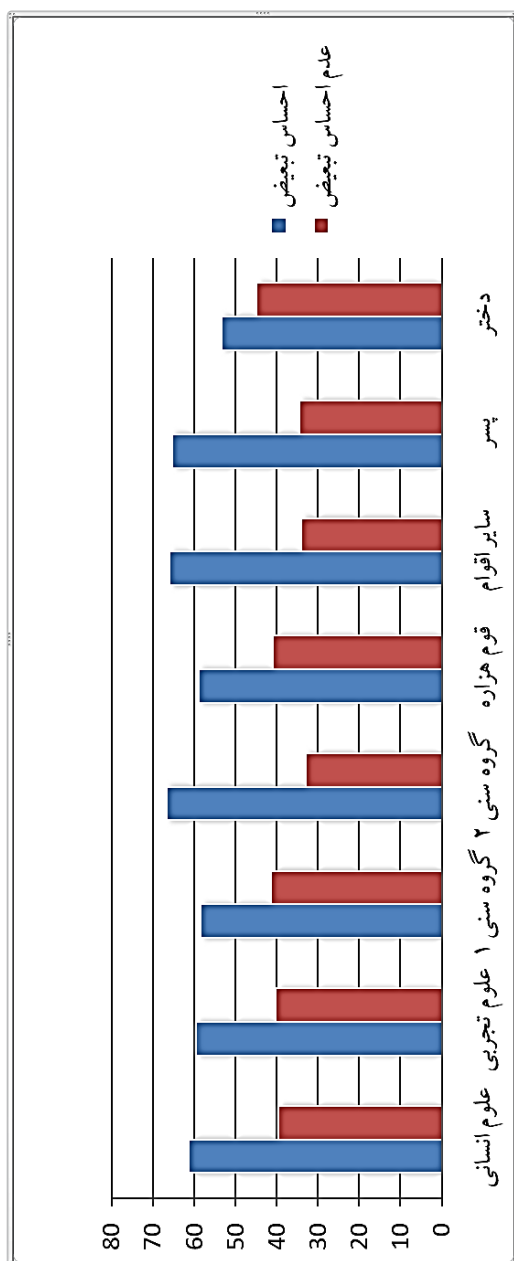
جدول ۴: احساس تبعیض مذهبی و هر یک از شاخص‌ها بر اساس درصد

شماره	شاخص	خیلی کم (درصد)	کم (درصد)	متوسط (درصد)	زیاد (درصد)	خیلی زیاد (درصد)	جمع (درصد)
۱	احساس تبعیضی مذهبی نسبت به امکانات رفاهی	۰	۸/۸	۷۰/۶	۲۰/۲	۰/۴	۱۰۰
۲	احساس تبعیض مذهبی نسبت به دانشجویان اهل سنت	۸/۳	۲۶/۳	۴۱/۲	۲۲/۵	۶/۱	۱۰۰
۳	احساس تبعیض مذهبی نسبت به محیط دانشگاه	۱/۱	۱۰/۳	۳۲/۱	۳۳/۶	۲۲/۹	۱۰۰
۴	احساس تبعیض مذهبی نسبت به اساتید	۰	۱/۹	۳۱/۳	۵۱/۵	۱۵/۳	۱۰۰
۵	احساس تبعیض مذهبی نسبت به کارمندان	۰	۳/۲	۴۵/۸	۴۴/۳	۷/۶	۱۰۰

با توجه به جدول فوق، نتایج پاسخ‌دهندگان در مورد میزان احساس تبعیض مذهبی نسبت به امکانات رفاهی دانشگاه کابل در زمینه‌های مختلف با هم متفاوت است؛ برای نمونه، نسبت به امکانات رفاهی احساس تبعیض بالایی مشاهده نمی‌شود و فقط حدود بیست درصد پاسخ‌دهندگان احساس تبعیض زیاد یا خیلی زیاد داشته‌اند. این میزان در خصوص احساس تبعیض از سوی دانشجویان اهل سنت با کمی افزایش به حدود ۲۸ درصد دانشجویانی می‌رسد که زیاد و خیلی زیاد احساس تبعیض داشته‌اند. احساس تبعیض در دیگر زمینه‌ها تا حدودی نگران‌کننده به نظر می‌رسد. بیش از نیمی از دانشجویان (۵۲ درصد) اعلام کرده‌اند که رفتار کارمندان در قبال آن‌ها به صورت خیلی زیاد و زیاد تبعیض‌آمیز است. ۵۶ درصد نیز محیط دانشگاه را در مجموع زیاد و خیلی زیاد تبعیض‌آمیز توصیف کرده‌اند. ظاهراً بیش‌ترین شکایت‌ها از برخورد اساتید است که نوعاً از مذهب اهل سنت هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۶۶ درصد پاسخ‌دهندگان، رفتار اساتید را زیاد و یا خیلی زیاد تبعیض‌آمیز خوانده‌اند.

از سوی دیگر، تمام دانشجویان تا حدودی احساس تبعیض نسبت به رفتار کارمندان و اساتید داشته‌اند. در خصوص این دو موضوع تنها ۱.۹ درصد از اساتید و ۳.۲ درصد از کارمندان، احساس تبعیض کمی داشته‌اند و اگر مجموع احساس تبعیض از متوسط به بالا را در نظر بگیریم، به آمار بسیار نگران‌کننده ناراضیتی بیش از ۹۸ درصد از رفتار اساتید و ۹۷ درصد برای عملکرد کارکنان می‌رسیم. از جهت دیگر، میزان رضایت دانشجویان از تمام دانشگاه ۳۹.۶ درصد عدم احساس تبعیض و ۵۹.۹ درصد خیلی زیاد بیان شده که اگر میانگین آن (۳.۶۱) را در نظر بگیریم، اکثریت دانشجویان شیعه نسبت به تمام دانشگاه احساس تبعیض می‌نمایند.

جدول شماره ۵: احساس تبعیض دانشجویان شیعه و تمام دانشگاه کابل



بر اساس جدول فوق، می‌توان نتیجه گرفت، اکثریت دانشجویان از نظر رشته تحصیلی، قومیت، گروه سنی و جنسیت مانند فروض بعدی، احساس تبعیض زیادی نسبت به تمام دانشگاه داشته‌اند. آنچه خیلی زیاد باعث نگرانی است، اکثریت بالایی (بیش از ۶۵ درصد) از دانشجویان دختر و پسر، گروه سنی یک و دو، قومیت هزاره غیرهزاره و دانشکده علوم اجتماعی و تجربی هستند که از عملکرد تمام دانشگاه اعلام نارضایتی کرده و تبعیض مذهبی را احساس می‌نمایند.

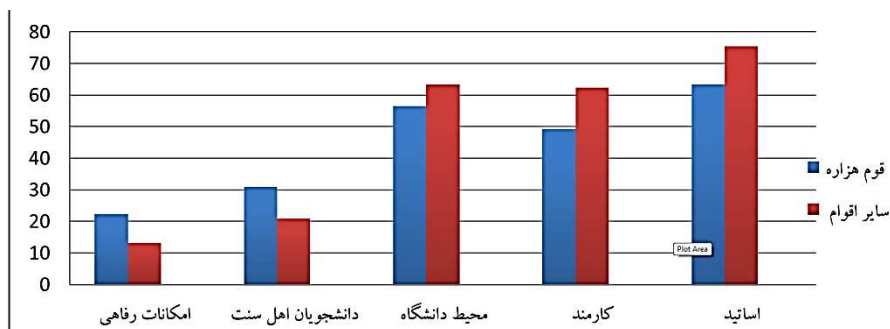
۳. قومیت و احساس تبعیض

دانشجویان شیعه دانشگاه کابل از قومیت‌های مختلفی هستند. اکثریت شیعیان در پژوهش (۷۹.۶ درصد) از قوم هزاره بودند. میزان شیعیان در دیگر قومیت‌ها بسیار کم‌تر است. همان‌گونه که اشاره شد، دانشجویان شیعه از سایر قومیت‌ها شامل تاجک، پشتون، بیات و سادات مجموعاً حدود ۲۰.۴ درصد از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند.

همان‌طوری که اشاره شد، دانشجویان شیعه میزان احساس تبعیض زیادی به خصوص در برخی زمینه‌ها مانند رفتار اساتید و کارکنان داشته‌اند، ولی این سؤال ممکن است مطرح شود که شاید این برخورد تبعیض‌آمیز، ناشی از آن باشد که قومیت هزاره، صرف‌نظر از مذهب، به لحاظ قومیتی نیز در افغانستان در اقلیت قرار دارد. از این جهت، بررسی تفکیک میزان احساس تبعیض در میان قومیت‌های مختلف، از اهمیت بالایی در این پژوهش برخوردار است.

قبل از بیان داده‌ها، ذکر این مقدمه ضروری است که تعاریف مختلفی از قومیت ابراز شده است؛ برای نمونه، تاجفل آن را بخشی از مفهوم فرد می‌داند که از آگاهی‌اش نسبت به عضویتش در یک گروه قومی با ارزش‌ها و احساسات مربوط به آن ناشی می‌شود (میرزایی و آقایی‌هیبر، ۱۳۹۲، ص ۶) همین‌طور هملز، هویت قومی را احساس تعلق فرد به یک گروه قومی می‌داند که این گروه، میراث فرهنگی، ارزش‌ها و منش‌های خاص خود را دارند. (Phinney & Ong, 2007) میزان احساس تبعیض در میان قومیت‌های مختلف در جدول ۶ آمده است.

جدول شماره ۶: قومیت و تبعیض



نتایج به دست آمده، بسیار جالب توجه است. در اکثر زمینه‌ها مانند برخورد اساتید، کارمندان و محیط دانشگاه، علی‌رغم پیش فرض اولیه، دانشجویان هزاره احساس تبعیض کم‌تری از دیگر اقوام داشتند. اما در نوع برخورد دیگر دانشجویان و امکانات رفاهی بیشتر از دیگر قومیت‌ها احساس تبعیض می‌کردند.

آنچه زیاد نگران‌کننده به نظر می‌رسد، آن است که اکثریت بالایی از دانشجویان شیعه (بیش از ۷۰ درصد)، چه هزاره و چه غیر آن، از عملکرد اساتید و کارمندان دانشگاه ناراضی بودند. جدول پیشین به خوبی نشان داد که میان قومیت و تبعیض رابطه‌ای وجود ندارد، بلکه میان مذهب دانشجویان و تبعیض، رابطه‌ی زیادی احساس می‌شود.

برای تحلیل آماری رابطه میان متغیر قوم و میزان احساس تبعیض مذهبی دانشجویان دانشگاه کابل، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول شماره ۷ ارتباط میان متغیرها و تبعیض مذهبی را نشان می‌دهد.

جدول ۷: آزمون هم‌بستگی پیرسون بین قوم و احساس تبعیض مذهبی

آمارها	تبعیض رفاهی	تبعیض دانشجویان	تبعیض محیط دانشگاه	تبعیض اساتید	تبعیض کارمندان
ضریب هم‌بستگی پیرسون	۰/۱۰۱	۰/۰۵۰	۰/۰۳۴	۰/۰۲۴	۰/۰۴۰
سطح معناداری	۰/۱۰۵	۰/۴۱۹	۰/۵۸۵	۰/۷۰۵	۰/۵۱۷
تعداد	۲۶۰	۲۶۰	۲۶۰	۲۶۰	۲۶۰

داده‌های این جدول نشان می‌دهد که میان قوم و تبعیض در خدمات رفاهی دانشگاه، دانشجویان اهل سنت، محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان رابطه معنادار وجود ندارد. دانشجویان دانشگاه از لحاظ داشتن قومیت تبعیض احساس نمی‌کنند.

۴. جنسیت و احساس تبعیض

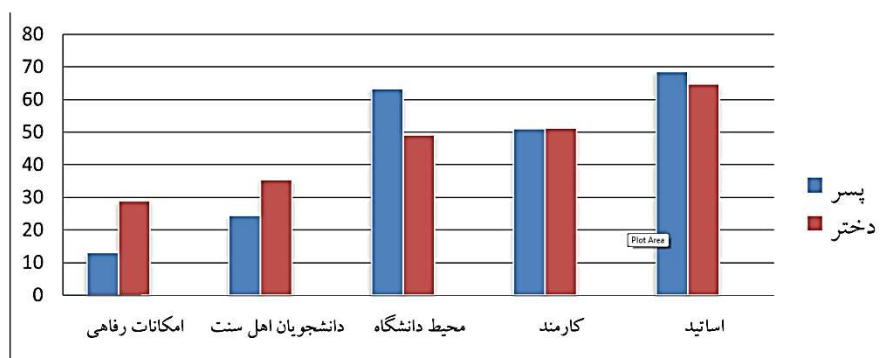
دانشجویان شیعه دانشگاه کابل از هر دو جنس مرد و زن هستند. ۵۰ درصد از جامعه آماری تحقیق پیش رو را مردان و ۴۸/۹ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. هم‌چنین ۱/۱ درصد نیز جنسیت خود را اعلام نکردند.

همان‌گونه که اشاره شد، دانشجویان شیعه احساس تبعیض زیادی به خصوص در برخی زمینه‌ها مانند محیط دانشگاه، رفتار اساتید و کارکنان داشته‌اند. ولی شاید این برخورد تبعیض‌آمیز، ناشی از آن باشد که جنسیت، صرف‌نظر از مذهب به لحاظ وضعیت نامطلوب جنسیتی نیز، در وقوع تبعیض مؤثر است. از این جهت، بررسی تفکیک میزان احساس تبعیض در میان مردان و زنان، اهمیت خاصی دارد.

پیش از توصیف داده‌های پژوهش، یادآوری این نکته ضروری است که جنسیت فرد در بزه‌دیدگی قابل تأمل است. برای نمونه، ترس زنان بنابر تحقیقات انجام گرفته، بیش‌تر ناشی از جرایم جنسی است. زنان به ناگاه متوجه وجود این ترس در وجود خود نمی‌شوند. این ترس مادرزادی هم نیست، بلکه زنان این ترس را در فرایند جامعه‌پذیری فرا می‌گیرند و رسانه‌های گروهی، همه در خدمت تقویت و نهادینه ساختن این ترس هستند. (سیدزاده ثانی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۶) از یک سو، شدت سنت‌های قبیله‌ای و نظام مردسالار، و از سوی دیگر عمق فاجعه خشونت علیه زنان در افغانستان، چنان وحشتناک است که علاوه بر این‌که حق زنان در اثر چندین دهه جنگ به فراموشی سپرده شده، در بسیاری موارد حتی حق اظهار نظر درباره مسائل گوناگون، از آنان گرفته شده و موجب طرد اجتماعی آنان گردیده است. بر فرض که در این پژوهش میزان تبعیض مردان نسبت به زنان افزایش یابد،

به این معنا نیست که دختران مورد تبعیض واقع نشده‌اند، بلکه ممکن است شامل مواردی دیگر باشد.^۱

جدول ۸: میزان احساس تبعیض در میان دانشجویان پسر و دختر



نتایج آماری چنین است: در زمینه‌هایی مانند خدمات رفاهی، دانشجویان اهل سنت و کارمندان دانشگاه، با وجود پیش فرض اولیه، دانشجویان پسر احساس تبعیض کم‌تری نسبت به دانشجویان دختر داشتند. تنها در مورد محیط دانشگاه و رفتار اساتید، دانشجویان پسر بیش‌تر از دانشجویان دختر احساس تبعیض داشتند.

آن‌چه خیلی زیاد نگران‌کننده به نظر می‌رسد، آن است که اکثریت بالایی از دانشجویان شیعه (بیش از ۶۲ درصد)، چه پسر و چه دختر، از عملکرد محیط دانشگاه، کارمند و اساتید ناراضی بوده‌اند. جدول فوق به خوبی نشان می‌دهد که میان جنسیت و تبعیض رابطه‌ای وجود ندارد، بلکه میان مذهب دانشجویان و تبعیض رابطه نزدیک احساس می‌شود. برای ارتباط میان جنسیت و احساس تبعیض مذهبی دانشجویان شیعه

۱. در زمان توزیع و تکمیل پرسش‌نامه توسط دانشجویان دختر، عواملی مانند سنت‌های حاکم، ترس از بزه‌دیدگی و خشونت‌های احتمالی در آینده از طرف دانشگاه، در تکمیل درست پرسش‌نامه تأثیر گذاشته و درصد میزان احساس تبعیض مذهبی از خدمات رفاهی، دانشجویان اهل سنت، محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان میان دانشجویان پسر و دختر به صورت واقع بینانه تبیین نگردیده است.

دانشگاه، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شده که در جدول شماره ۹ جنسیت و احساس تبعیض آمده است.

جدول ۹: آزمون هم‌بستگی پیرسون، رابطه میان جنسیت و احساس تبعیض مذهبی

تبعیض کارمندان	تبعیض اساتید	تبعیض محیط دانشگاه	تبعیض دانشجویان	تبعیض رفاهی	آمارها
. / .۰۰۷	. / .۰۵۲	. / .۱۷۴	. / .۰۸۶	. / .۲۳۱	ضریب هم‌بستگی پیرسون
. / .۹۰۴	. / .۴۰۴	. / .۰۰۵	. / .۱۶۸	. / .۰۰۰	سطح معناداری
۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	تعداد

با توجه به این جدول، داده‌های آماری میان جنسیت دانشجویان و احساس تبعیض از خدمات رفاهی و محیط دانشگاه، رابطه معناداری را نشان می‌دهد، ولی نسبت به دانشجویان اهل سنت، اساتید و کارمندان دانشگاه رابطه معناداری وجود ندارد.

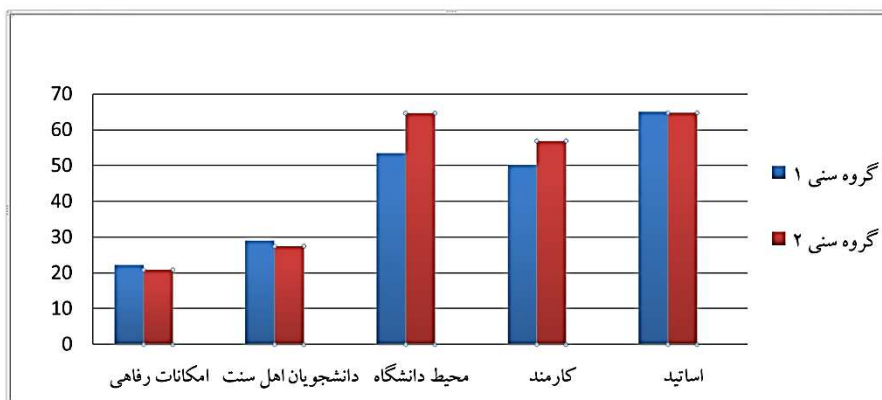
۵. سن و احساس تبعیض

دانشجویان شیعه دانشگاه کابل را افرادی با سنین مختلف تشکیل می‌دهند. اکثریت دانشجویان در این پژوهش (۸۰/۲ درصد) از گروه سنی یک از (۱۸ - ۲۳ سال) بوده‌اند. دانشجویان گروه سنی دو، یعنی ۲۳-۳۲ سال (۱۹/۸ درصد) از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند.

همان‌گونه که اشاره شد، تمام دانشجویان شیعه در گروه‌های سنی یک و دو، میزان احساس تبعیض خیلی زیادی به خصوص در برخی زمینه‌ها مانند رفتار اساتید، کارمندان و محیط دانشگاه داشته‌اند، ولی فرضیه‌ای مطرح می‌شود مبنی بر این‌که شاید این برخورد تبعیض‌آمیز ناشی از سن گروه دو باشد؛ به این معنا که صرفاً به لحاظ تجربه بالای سنی، احساس تبعیض بیش‌تری نسبت به گروه سنی یک دارند.

قبل از بیان داده‌های آماری، ذکر این مقدمه ضروری است که دلایل بسیاری بر تأثیر سن افراد در بزه‌دیدگی وجود دارد؛ به عنوان نمونه، با افزایش سن افراد جرایم هم بیشتر می‌گردد؛ (Toseland, 1982, P.203) اما این فرضیه همیشه و در همه جا یکسان نیست و تا به امروز پژوهش‌های زیادی درباره سن و تأثیرش بر جرم انجام پذیرفته و برخی یافته‌ها، حاکی از آن بوده که بین افزایش سن و جرم رابطه‌ای وجود ندارد. (policy Unit Age concern England, 2003, P.1) بر اساس پژوهش‌های انجام‌یافته، میان متغیر سن و بزه‌دیدگی معیار ثابت وجود ندارد و به هر حال نتایج متناقضی در رابطه با متغیر سن و بزه‌دیدگی وجود دارد (سیدزاده، ثانی، و کرمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹-۱۵۲) و هر پژوهش، تنها به پیچیدگی آن متغیر افزوده است. میزان احساس تبعیض در میان گروه سنی در جدول شماره ۱۰ آمده است.

جدول شماره ۱۰: گروه سنی و احساس تبعی



نتایج به گونه‌ای است که دانشجویان شیعه در اکثر موضوعات مانند برخورد اساتید، کارمندان و محیط دانشگاه، با وجود پیش فرض اولیه، دانشجویان گروه سنی یک، احساس تبعیض کم‌تری نسبت به گروه سنی دو دارند. تنها در مورد نوع برخورد دانشجویان اهل سنت و امکانات رفاهی دانشگاه است که دانشجویان گروه سنی یک بیشتر از گروه سنی دو، احساس تبعیض داشته‌اند.

آن چه خیلی زیاد نگران‌کننده به نظر می‌رسد، آن است که اکثریت بالای دانشجویان شیعه (بیش از ۵۵ درصد)، در گروه‌های سنی یک و دو، از عملکرد کارمندان، اساتید و خدمات رفاهی دانشگاه کابل ناراضی بوده‌اند. جدول فوق به خوبی نشان می‌دهد که میان گروه سنی و تبعیض رابطه‌ای وجود ندارد، بلکه میان مذهب دانشجویان و تبعیض رابطه معناداری احساس می‌شود.

برای ارزیابی میان متغیر سن و احساس تبعیض، از آزمون هم‌بستگی پیرسون استفاده شده که در جدول شماره ۱۱ آمده است.

جدول ۱۱: آزمون هم‌بستگی پیرسون، رابطه سن و احساس تبعیض مذهبی

آمارها	تبعیض رفاهی	تبعیض دانشجویان	تبعیض محیط دانشگاه	تبعیض اساتید	تبعیض کارمندان
ضریب هم‌بستگی پیرسون	./۰۳۳	./۰۱۱	./۰۹۷	./۱۰۶	./۰۹۴
سطح معناداری	./۶۰۲	./۸۵۴	./۱۱۹	./۰۸۸	./۱۳۱
تعداد	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲

مطابق جدول فوق و تحلیل آماری، نتیجه گرفته می‌شود که رابطه معناداری میان سن و تبعیض مذهبی وجود ندارد.

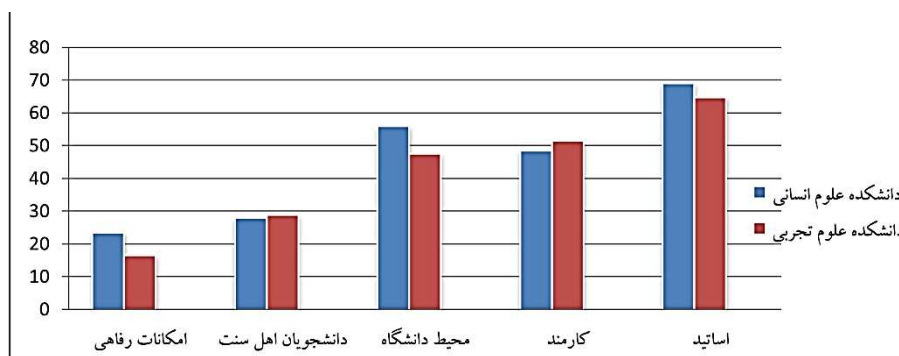
۶. رشته تحصیلی و احساس تبعیض

در این پژوهش درصد دانشجویان شیعه در دانشکده علوم انسانی، ۵۱.۹ درصد و در دانشکده علوم تجربی، ۴۶.۲ درصد است. هم‌چنین ۱.۹ درصد رشته تحصیلی خود را ذکر نکردند.

همان‌گونه که اشاره شد، دانشجویان شیعه میزان احساس تبعیض خیلی زیاد به ویژه در زمینه‌هایی مانند رفتار اساتید، کارمندان و محیط دانشگاه داشته‌اند، ولی امکان طرح این فرضیه وجود دارد که شاید این برخورد تبعیض‌آمیز، ناشی از رشته تحصیلی، به لحاظ

مسائل مذهبی در سرفصل‌ها یا متون درسی دانشکده باشد. از این جهت، بررسی تفکیک میزان احساس تبعیض در میان رشته‌های تحصیلی اهمیت خاصی دارد. میزان احساس تبعیض در میان رشته‌های تحصیلی در جدول شماره ۱۲ آمده است.

جدول شماره ۱۲: رشته تحصیلی و تبعیض



در نهایت، از تحلیل و ارزیابی داده‌های آماری نتایج بسیار جالبی به دست آمده است. در زمینه رفتار اساتید و محیط دانشگاه دانشجویان شیعه تبعیض در دانشکده علوم انسانی، بیشتر از دانشکده علوم تجربی است. در مورد نوع برخورد دانشجویان اهل سنت، کارمندان و خدمات رفاهی، دانشجویان شیعه در دانشکده علوم تجربی بیشتر از دانشکده علوم انسانی احساس تبعیض داشته‌اند.

آنچه نگران‌کننده به نظر می‌رسد، آن است که اکثریت بالایی از دانشجویان شیعه (۵۵ درصد)، چه در رشته‌های علوم انسانی یا دانشکده علوم تجربی، از عملکرد اساتید، کارکنان و محیط دانشگاه ناراضی بوده‌اند. این جدول، به خوبی نشان می‌دهد که رابطه‌ای میان رشته تحصیلی و تبعیض وجود ندارد، بلکه میان مذهب دانشجویان و تبعیض، رابطه نزدیکی احساس می‌شود.

برای پاسخ دادن به سطح معناداری پژوهش، از آزمون هم‌بستگی پیرسون در جدول شماره ۱۳ میان رشته تحصیلی و احساس تبعیض استفاده گردیده است.

جدول ۱۳: آزمون هم‌بستگی پیرسون، رابطه رشته تحصیلی و احساس تبعیض مذهبی

آمارها	تبعیض رفاهی	تبعیض دانشجویان	تبعیض محیط دانشگاه	تبعیض اساتید	تبعیض کارمندان
ضریب هم‌بستگی پیرسون	./۰۱۶	./۰۱۹	./۰۲۷	./۰۶۳	./۲۲۴-
سطح معناداری	./۷۹۳	./۷۶۳	./۶۷۰	./۳۱۳	./۰۰۰
تعداد	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲	۲۶۲

بر اساس آزمون پژوهش، میان رشته تحصیلی و امکانات رفاهی، دانشجویان اهل سنت و اساتید، رابطه منفی وجود دارد و سطح معناداری آن بیش‌تر از ۰/۰۵ است، ولی بین رشته تحصیلی و کارمندان دانشگاه، رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه

این پژوهش به تبعیض مذهبی در دانشگاه کابل به مثابه دانشگاهی برای تمامی مردم افغانستان به صورت پیمایشی پرداخت. با توجه به داده‌های موجود، در میزان احساس تبعیض مذهبی میان دانشجویان شیعه و سایر دانشجویان، عدم توازن دیده می‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، مهم‌ترین نتایج یافت‌شده در این پژوهش به قرار ذیل است:

۱. میزان احساس تبعیض دانشجویان شیعه نسبت به کارمندان و اساتید دانشگاه بیش‌تر از محیط دانشگاه، دانشجویان اهل سنت و خدمات رفاهی است. این برآمد مؤید فرضیه اولیه پژوهش است.

۲. آمارهای غیررسمی داده شده، حاکی از آن است که دانشجویان شیعه، به میزان خیلی زیادی احساس نارضایتی نسبت به کارمندان و اساتید دانشگاه دارند. ولی این سخن می‌تواند در نحوه ارزیابی میزان احساس تبعیض ایراد داشته باشد؛ اما نتایج این پژوهش به صورت علمی، تا حدودی بر آمار غیررسمی صحه گذاشت.

۳. در توزیع فراوانی میان دانشجویان شیعه و تمام دانشگاه کابل، احساس تبعیض با میانگین ۳۰/۶۱ و ۵۹/۶ درصد، تبعیض خیلی بالایی بیان گردیده است.

۴. در توزیع فراوانی میانگین قومیت، قوم هزاره و سایر اقوام، میانگین بالای احساس تبعیض مذهبی از عملکرد اساتید و کارمندان داشته، در حالی که هر دو، میانگین پایین تری نسبت به خدمات رفاهی، دانشجویان اهل سنت و محیط دانشگاه داشتند، در نتیجه برخلاف نظریات پیشین، میان قومیت و تبعیض رابطه‌ای وجود ندارد.

۵. در مورد جنسیت و تبعیض، میزان تبعیض خیلی زیاد با بیشترین میانگین دانشجویان (پسر و دختر) از محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان احساس شده که بر خلاف نظریات داده شده در مبانی نظری است که قائل به تبعیض میان دختران و پسران بودند.

۶. به لحاظ سن دانشجویان و تبعیض میان گروه سنی، هیچ‌گونه تفاوتی دیده نمی‌شود و بالاترین میزان احساس تبعیض در میان گروه‌های سنی از محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان بیان گردید، در حالی که میان سن و تبعیض، رابطه معناداری وجود دارد.

۷. در توزیع فراوانی میان رشته تحصیلی دانشجویان، بالاترین میزان احساس تبعیض مذهبی در محیط دانشگاه، اساتید و کارمندان مشاهده گردیده است. هم‌چنین میزان احساس تبعیض دانشجویان شیعه در دانشکده علوم انسانی بیشتر از دانشکده علوم تجربی است.

با توجه به نتیجه به دست آمده در این تحقیق، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. افغانستان سرزمینی با کثرت قومی و مذهبی است. تنش‌های داخلی چند دهه اخیر، یکی از عوامل اصلی تفرقه قومی - مذهبی است که در اثر آن، تمام ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گرفتار چنین فاجعه‌ای شده و هم‌چنان، مذاهب و اقوام افغانستان در این جهل خانمان سوز هستند؛ لذا شهروندان افغانستان، باید با استفاده از تجربه دیگران دریابند که سعادت و آبادی آن‌ها، در گرو آبادی همه اقوام، مذهب و یکایک شهروندان است.

۲. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، دانشجویان شیعه فارغ از این‌که متعلق به کدام قوم هستند، تبعیض مذهبی را احساس می‌کنند. واقعیت اخیر، بیان‌گر وضع کاملاً غیرمعمول و نگران‌کننده در دانشگاه کابل است. بر این اساس، دولت اسلامی افغانستان باید در راستای

اصول شهروندی، قانون اساسی و معیارهای پذیرفته حقوق بشر برای رفع آن اقدام جدی به عمل آورد.

۳. بر اساس تحلیل و توصیف آماری، میزان احساس تبعیض گروه سنی ۱ بیشتر از دیگر گروه‌ها ارزیابی گردیده و از سوی دیگر، این گروه سنی در حساس‌ترین مرحله زندگی خود به سر می‌برند، لذا حساسیت این موضوع، این مهم را می‌طلبد که مسئولان دانشگاه، اقدامات و تدابیر پیش‌گیرانه‌ای را برای جلوگیری از رفتارهای نابه‌هنجار در نظر بگیرند.

۴. بیشتر مباحث الاهیاتی و دینی در دانشکده علوم انسانی، بر مبنای عصیبت‌های مذهبی بوده که این امر می‌تواند احساس تبعیض مذهبی در بین شیعیان را افزایش دهد؛ همان‌طور که نتایج تحقیق حاضر نیز آن را نشان داد. لذا بر اساس نگرانی موجود، مدیران ارشد دانشگاه کابل می‌توانند از طریق اصلاح سرفصل‌های آموزشی و یا تذکر به اساتید، اقدامات لازم را مبذول نمایند.

۵. به لحاظ فنی و عینی،^۱ چندین بار برگزاری مراسم مذهبی مانند عزاداری در خوابگاه یا مسجد دانشگاه، منجر به درگیری‌های خون‌آلود و مرگ‌بار شده است. لذا مناسب است که دانشگاه کابل، برای گذار از این بحران و کنترل درگیری‌های خونین، راهکارهای کنترل احساس تبعیض مذهبی را پیش بگیرد؛ برای مثال، از تجربیات دیگر دانشگاه‌ها استفاده کند تا دیگر شاهد درگیری و نزاع‌های مذهبی میان دانشجویان دانشگاه کابل نباشیم.

۶. در آخر پیشنهاد می‌گردد که موضوعاتی مانند سنجش میزان احساس گونه‌های مختلف تبعیض، برای طلاب افغانستانی در دانشگاه المصطفی ایران، ادارات دولتی و مراکز آموزش عالی افغانستان و نیز میان شهروندان به هدفی جدی و اولویتی مهم برای دولت‌مردان، محققان و دانشجویان تبدیل شود.

۱. هر سال در ماه محرم، دانشجویان شیعه مراسم عزاداری در مسجد دانشگاه کابل برگزار می‌کنند. تا کنون شاهد چندین درگیری میان دانشجویان تشیع و اهل سنت بوده‌ایم که نتیجه آن مجروح و کشته شدن چندین دانشجو بوده است.

فهرست منابع

۱. بی‌نام، تبعیض در محیط درس، مجله بین‌المللی مدرسه اولیاء، شماره ۸۸، ۱۳۶۵.
۲. ساعی، علی، روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت و انتقادی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۳. سیدزاده ثانی، سیدمهدی، ترس از بزه‌دیدگی مکرر، در مجموعه مقالات نخستین همایش پیش‌گیری از جرم: پیش‌گیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، ۱۳۸۷.
۴. سیدزاده ثانی، سیدمهدی و سعید کرمانی، ترس از جرم در مشهد: میزان و عوامل، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۸، ۱۳۹۲.
۵. گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان، بررسی میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در افغانستان، گزارش اول، کابل: نشر حقوق بشر، ۱۳۹۷.
۶. شفیع‌نیا، عباس و یعقوب احمدی، فرایند تبعیض سیاسی - اجتماعی و هویت‌خواهی قومی (مورد مطالعه جوانان شهرستان سندیج قروه)، مجله علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره دوم، ۱۳۹۷.
۷. قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۱.
۸. کاظمی، فاطمه، بررسی تبعیض نژادی از دیدگاه اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی با نگاهی به حقوق ایران، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳.
۹. کود جزا افغانستان مصوب ۱۳۹۶.
۱۰. گرجی اندریانی، علی‌اکبر و حامد طبری، مریم میرمحمدصادقی، تبعیض مثبت: تبعیض عادلانه یا درمان اثرات تبعیض، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۵، ۱۳۹۰.
۱۱. لسانی، سیدحسام‌الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بشر (آخرین دست‌آوردها)، مجله حقوق خصوصی، شماره ۳، ۱۳۸۲.
۱۲. مهری، پروانه، شناسایی عوامل مؤثر اجتماعی، فرهنگی و آموزشی بر ایجاد تبعیض‌های جنسیتی از دانشجویان کارشناسی دختر دانشگاه کابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.

۱۳. میرزایی، حسین و محمد عباس‌زاده، **مطالعه چگونگی تعامل هویت ملی و قومی دانشجویان** (مطالعه موردی دانشجویان آذری، عرب و بلوچ)، **مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۱۴. میرزایی، حسین، توکل آقاییاری، سجاد قربان‌پور، **بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی** (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز)، **فصلنامه راهبر اجتماعی - فرهنگی**، شماره ۹، ۱۳۹۲.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و جمعی از نویسندگان، **دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم** (۲ جلد)، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا - نشر میزان، ۱۳۸۴.
16. Phinney, J.S & Ong. A. (2007), "**Conceptualization and Measurement of Ethnic Identity: Current Status and Futuer Direction**", **Journal of Counseling Psychology**, Vol. 54, NO. 3, P.271-281.
17. Policy Unit Age Concern England (2003), **Survey of fear of street crime amongst older people.**
18. Toseland, R.W (1982), **Faer of Crime: Who Is Most Vulnerable**, **Journal of Criminal Justice**, Vol. 10, Issue 4. P.271-282.
19. <https://www.aihrc.Org.af>.
20. <http://ku.edu.af/fa>.
21. [www//8am.com](http://www.8am.com)-روزنامه هشت صبح افغانستان